



اظهارات تازه آیت الله مجتبی تهرانی درباره رواج دروغ‌گویی و بی‌حجابی در جامعه

مشروح سخنرانی اخیر آیت الله شیخ مجتبی تهرانی در موضوع حیا و نقش آن در مسائل اجتماعی...

مشروح سخنرانی اخیر آیت الله شیخ مجتبی تهرانی در موضوع حیا و نقش آن در مسائل اجتماعی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم،
و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.
رَوَى عَنْ الصَّادِق (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ» [1]؛

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما را جمع به «حیا» بود. عرض کردم یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جامعه ما مسأله ترویج بی‌حیایی در سه رابطه دیداری، گفتاری و رفتاری است. جلسه گذشته بحث ما به تقسیماتی در ارتباط با حیا رسید. یک تقسیم‌بندی در ارتباط این بود که انسان -نعوذ بالله- عمل زشتی را در مرئی، منظر و دیدگاه کسی انجام دهد و حیا در آنجا به معنای مُتَفَعِّل شدن روح، انکسار روح و شرمندگی درونی است.

اگر عمل زشتی در دیدگاه و منظر غیر انجام شود، یک وقت غیر عبارت است از انسان‌هایی مثل خود شخص که از آن به «حیا» من الخلق» تعبیر می‌کنند، در روایت هم داشتیم. قسم دوم؛ آن است که «غیر»؛ به این معنا که در منظر یک انسان دیگر باشد، نیست؛ در مرئی و منظر خود انسان، دیدگاه خود شخص انجام‌دهنده کار باشد که از آن به «حیا» من النفس» تعبیر می‌کنند. جلسه گذشته روایت اینها را هم به صورت فهرست‌وار اشاره کردم. حتی جزو محاورات عرفیه ما هم هست که می‌گوییم: «خودم از خودم خجالت کشیدم»؛ این مسأله پیچیده‌ای نیست.

سوم؛ در دیدگاه غیر است اما غیر، غیر مشهود ظاهری نباشد. یعنی اعمال ما در مرئی و منظر کسی هست که ما او را نمی‌بینیم. ما در روایات مان داریم، آیه شریفه را هم مطرح کردم و گفتم کسانی که معتقد به مبدأ و معاد و وحی الهی هستند، ادعای تدبیر و اسلام و ایمان می‌کنند، باید به این ناظران توجه کرده و از آنها حیا کنند. صریح قرآن است که برای هر انسانی دو فرشته مأمور است، یکی سمت چپ و یکی سمت راست، ما را می‌بینند و رؤیت می‌کنند و به تعبیر ما اینها هستند که اعمال را ثبت و ضبط می‌کنند، پس عمل زشت در مرئی و منظر آنها قرار می‌گیرد. یک قسم حیا، حیا از آنها است. جلسه گذشته همه را گفتم، آیه را هم خواندم و روایتش را هم خواندم، دیگر تکرار نمی‌کنم.

حیا از اولیای خدا:

چهارم؛ مسأله «حیا» من اولیاء الله» است. آخر جلسه گذشته به این قسم اشاره‌ای کردم و ظاهراً یک روایت هم بیشتر نخواندم، ولی از من خواستند که این را بیشتر توضیح دهم. چون از من خواستند وارد می‌شوم. پنجم؛ «حیا» من الله»؛ است. من همین‌جور به ترتیب فهرست‌وار آمدم. «حیا» من الخلق»؛ «حیا» من النفس»؛ «حیا» من الملائکه»؛ «حیا» من الاولیاء».

«حیا» من اولیاء الله»؛ که ما در معارفمان داریم، هم در آیه شریفه داریم و هم در روایات بسیار داریم که من جلسه گذشته فقط به آن اشاره کردم، بعد هم چند جمله گفتم که همه آنها مضمون روایت بود. ما در قرآن آیه‌ای داریم که در ربط با اعمال است که در جلسه گذشته آن را خواندم. آیه شریفه می‌فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فِیْ سَبِيلِ اللّٰهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سُرُّدُونَ اِلٰی عَالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ فِیْئَتُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» [2] ترجمه آیه روشن است. خطاب به پیغمبر اکرم است که بگو، البته بگو یعنی به همه بگو، دیگر در اینجا صحبت از مؤمن و منافق و این حرف‌ها نیست، به همه بگو، هرچه می‌خواهید بکنید، اما بدانید که به زودی خداوند و پیغمبر و مؤمنین اعمال شما را می‌بینند. بعد دارد «و سُرُّدُونَ اِلٰی عَالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ»؛ و به زودی شما به سوی خداوندی برمی‌گردید که دانای پنهان و آشکار است. «فِیْئَتُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ پس به آنچه که انجام دادید، آگاهتان می‌کند.

من نمی‌خواهم تفسیر بگویم ولی این را دقت کنید، من آنچه را که مربوط به بحثم هست می‌گویم. این آیه شریفه دو بخش دارد؛ یک بخش اول و یک بخش دوم دارد. بخش اول مربوط به دنیا است، بروید هر کاری می‌خواهید بکنید بکنید، اما این را بدانید هم خدا، هم پیغمبر خدا و هم مؤمنین می‌بینند، این برای دنیا است. بخش دوم مربوط به قیامت است.

اعمالمان هر روز به پیامبر عرضه می‌شود

در بخش اول در ذیل آیه شریفه راجع به همین معنا روایات بسیار داریم، حالا من بعضی از اینها را می‌خوانم. ابوبصیر از امام صادق(علیه‌السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود: **171#& نَعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ**; یعنی اعمال به پیغمبر عرضه می‌شود. بعد دارد **171#& أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أُبْرَارُهَا وَ فُجَارُهَا**; هر روز صبح، ابرار و فجارش، ابرار یعنی کار خوب و فجار یعنی کار زشت. **171#& فَاحْذَرُوها**; بپرهیزید. بعد حضرت فرمود: **171#& وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى اَعْمَلُوا فَيَسِيرَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ**; بعد دارد **171#& وَ سَكَتَ**; حالا در این نکته است که حضرت **171#& الْمُؤْمِنُونَ**; نگفتند.

ائمه هم اعمالمان را می‌بینند

یک روایت دیگر داریم، آن هم تقریباً نظیر این است که باز هم ابوبصیر نقل می‌کند: **171#& قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ كَانَ يَقُولُ**; می‌گوید من به حضرت گفتم که عمر خطاب این‌جور می‌گوید: **171#& إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ تَعْرَضُ عَلَيْهِ أَعْمَالُ أُمَّتِهِ كُلِّ حَمِيسٍ**; اعمال بندگان خدا را پنج‌شنبه‌ها به پیغمبر عرضه می‌کنند، **171#& فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ هَكَذَا**; حضرت فرمود: این‌طوری نیست. **171#& وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ تَعْرَضُ عَلَيْهِ أَعْمَالُ أُمَّتِهِ كُلِّ صَبَاحٍ أُبْرَارُهَا وَ فُجَارُهَا فَاحْذَرُوا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ جَلَّ وَ قُلْ اَعْمَلُوا فَيَسِيرَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ**; بعد اینجا ابوبصیر می‌گوید: **171#& إِنَّمَا عَنِ الْأَيْمَةِ**; من جلسه گذشته گفتم، در تفسیر صافی است که از علی بن ابراهیم نقل می‌کند که مراد از مؤمنون ائمه هستند. اولیای خدا را هم که بحث کردم و گفتم که اعمال ما بر اولیای خدا هم عرضه می‌شود، از نظر آیه، اولیای خدا عبارت است از پیامبر اکرم و ائمه طاهرين(علیهم‌السلام). من اینها را می‌گویم برای این که خیال نکنید این بحث، بحث کوچکی است. من همه اینها را می‌گویم که ان‌شاءالله اینها را در ذهن‌هایتان برای جاهای دیگر ثبت و ضبط کنید.

چرا با گناهت پیامبر را ناراحت می‌کنی؟!

روایتی از سماعه است که نقل می‌کند: **171#& عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا لَكُمْ تَسْؤُونَ رَسُولَ اللَّهِ؟** حضرت رو کرد گفت: چرا شماها پیغمبر را ناراحت می‌کنید؟ معلوم می‌شود که جمعیتی نشسته بودند، چون خطابی که حضرت می‌کند به جمع می‌کند، **171#& مَا لَكُمْ**; برای چه شماها این‌قدر پیغمبر را اذیت می‌کنید؟ **171#& فَقَالَ رَجُلٌ**; یکی بلند شد گفت: **171#& كَيْفَ تَسْؤُوهُ؟** چطوری ما حضرت را اذیت می‌کنیم؟ **171#& فَقَالَ أَمَا تَعْلَمُونَ؟** شما نمی‌دانید؟ **171#& أَنْ أَعْمَالَكُمْ تَعْرَضُ عَلَيْهِ**; شما نمی‌دانید اعمال شما به پیغمبر عرضه می‌شود؟ **171#& فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً**; وقتی می‌بیند که شما معصیت کرده‌اید **171#& سَاءَ ذَلِكَ**; ناراحت می‌شود. **171#& فَلَا تَسْؤُوا رَسُولَ اللَّهِ**; پیغمبر را اذیت نکنید. **171#& وَ سُؤُوهُ**; خوشحالش کنید. یعنی از او اطاعت کنید، معصیت نکنید، پیغمبر را اذیت نکنید.

اعمالمان هر روز به ائمه نیز عرضه می‌شود

جلسه گذشته من به اینها اشاره کردم، اما روایت نخواندم. گفتم اینهایی که می‌گویم همه متن روایت است. عبدالله بن ابان زیداد، پیش امام هشتم(علیه‌السلام) جایگاهی داشت، ایشان نقل می‌کند: **171#& كَانَ مَكِينًا عِنْدَ الرَّضَاعِيَةِ السَّلَام قَالَ قُلْتُ لِلرَّضَاعِيَةِ السَّلَام ادْعُ اللَّهَ لِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي**; به حضرت گفتم: آقا برای من و زن و بچه‌ام دعا کنید! دیدید می‌گویند: **171#& التَّمَّاس دعا!** گفت: برای خودم و زن و بچه‌ام دعا کنید! **171#& فَقَالَ أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ؟** من این کار را نمی‌کنم؟ **171#& وَ اللَّهُ إِنْ أَعْمَالَكُمْ تَعْرَضُ عَلَى فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ**; تمام کارهایی که تو و زن و بچه‌ات می‌کنید صبح و شب همه به من عرضه می‌شود.

171#& قَالَ فَاسْتَعْظَمْتُ ذَلِكَ; در دلم گفتم خیلی عجیب غریب شد، ما تا حالا نمی‌دانستیم که هر کاری خودمان و زن و بچه‌مان می‌کنیم همه را خدمت آقا عرضه می‌کنند! می‌گوید: همین که در ذهنم گذشت، همان‌جا ذهنم را خواند. همان عمل باطنی من و ذهنی من را هم دید. **171#& فَقَالَ لِي أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟** حضرت فرمود: تو قرآن نمی‌خوانی؟ **171#& وَ قُلْ اَعْمَلُوا فَيَسِيرَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ**; تو قرآن نمی‌خوانی؟ متن آیه قرآن است. همان‌جا عملاً به او نشان داد که همین که در ذهنت آمد جوابت را دادم. تا در ذهنم آمد بلافاصله حضرت گفت: مگر تو قرآن نمی‌خوانی؟ اینها یک دسته خیلی روشن از آیات و روایات بود.

171#& عرضه خود عمل; به پیامبر نه گزارش عمل

حالا این روایت را گوش کنید؛ روایت در تفسیر صافی است که علی بن ابراهیم آن را از امام هشتم(علیه‌السلام) نقل می‌کند: **171#& قَالَ إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تَعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ كُلِّ صَبَاحٍ أُبْرَارُهَا وَ فُجَارُهَا فَاحْذَرُوا فَلْيَسْتَحْيَ أَحَدَكُمْ أَنْ يُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ**

القیح[۷]؛ این روایتی بود که به عنوان بحث حیا آوردیم. یک روایت بود، اما این روایت، پیش قراول‌های این بحث آیه و روایات است. [۸]

من دو تا تفسیر می‌کنم ببینیم کدام یک از اینها در آیه و روایات است؟ یک وقت هست که فرشته‌ها مأمور هستند اعمال ما را گزارش کنند، اینجا بین عمل زشت من و اطلاع آقا یک واسطه می‌خورد، مثل این که گزارش می‌کنند، می‌نویسند و می‌برند به پیامبر می‌دهند. یک وقت هست که خود عمل را می‌برند، هم آیه و هم روایات این را می‌گویند. ما خود کار تو را می‌بینیم، این خیلی مسأله مهمی است.

وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللّٰهِ [۱۷۱]؛ خدا، پیغمبر و ائمه عملت را می‌بینند، نه اینکه برای آنها گزارش می‌کنند، در تمام روایات هم این آمده است. همان هم که آمد پیش امام هشتم (علیه السلام)، امام به او گفت: ما اعمال شما را می‌بینیم، همین که در ذهن فرد، این مسأله خیلی عجیب آمد، امام به او فهماند که من ذهن تو را دیدم. آن چیزی که در ذهن تو گذشت، همین الآن دیدم.

بی‌حجاب، دروغ‌گو و ... از امام زمان حیا کن!

پس ائمه اعمال ما را در بعد دیداری، گفتاری و رفتاری می‌بینند. حالا من سؤالم این است؛ این چه قیافه‌ای است برای خودت درست کردی؟ زن‌ها را می‌گویم، تو چه خیالی کردی؟ امام زمان (صلوات‌الله‌علیه) دارد این هیكلت را می‌بیند، کنار مرد نامحرم داری می‌روی. مرد دارد هیكلت را می‌بیند. بی‌حیا!

حرف‌هایی که داری می‌زنی، آن موقع که داری دروغ می‌گویی، دروغت را دارد می‌شنود! قبل از آن که مستمع حرف تو را بشنود او می‌شنود! به شماها معارف‌تان را نگفتند و گر نه خجالت می‌کشیدید. تمام کارهایی که داری می‌کنی، این روابط نامشروعی که در جامعه است، همه را می‌بیند و همه را می‌شنود. از پیغمبر گرفته تا امام زمان (صلوات‌الله‌علیه) همه این کارها را می‌بینند. از اولیای خدا حیا نمی‌کنی؟ من هم آیه خواندم و هم روایات. اطلاعات تفسیری هم دادم با این که دنبال تفسیر هم نبودم. آنهایی که اهلش هستند بروند ببینند. کسی نمی‌تواند این نکته را که پیامبر و ائمه همه چیز را می‌بینند، انکار کند.

پیامبر آزاری و توقع دست‌گیری؟!

من در اینجا می‌خواهم نکته‌ای بگویم. بعضی می‌گویند: چرا ائمه جوابم را نمی‌دهند؟ باید به آنها گفت: خجالت بکشید! چرا توستات من اثر نمی‌کند؟ خجالت بکش! حیا کن! با این قیافه‌ات، با این حرف‌هایت و با این کارهایت چه توقعی داری؟! خیلی آقا هستند، واقعاً خیلی بزرگ هستند. از خودت حیا نمی‌کنی، از مردم حیا نمی‌کنی، حداقل از اینها حیا کن. یکی دو تا هم نیستند، روایات زیادی در این باب داریم. هر روز و هر شب به پیغمبر رنج می‌دهی، بعد می‌خواهی پیغمبر دستت را بگیرد، مدام توسل می‌کنی، مدام دعای توسل می‌خوانی؟ مدام دعای فرج می‌خوانی؟

امشب بروید بنشینید فکر کنید، می‌توانید بفهمید گره کار کجا است؟ خیال کردی کارهایت از اینها پنهان است؟ جلوی مردم قیافه دین‌داری می‌گیری اما آیا او هم نمی‌فهمد که داری دروغ می‌گویی؟ داری ریاکاری می‌کنی، داری فریب‌کاری می‌کنی، او نمی‌فهمد؟ فرض کن سر من کلاه گذاشتی، سر آقا که نمی‌توانی کلاه بگذاری.

از خدا حیا کن آن‌طور که حق حیا است!

به نظر من [۱۷۱]؛ حیا من اولیاء الله؛ در دیدگاه افراد متعدد است، یک وقت می‌گویی در دیدگاه شخص واحد است، یک وقت می‌گویی دیدگاه خودم است، اینها را می‌آیی مطرح می‌کنی، یک وقت می‌گویی دیدگاه اولیای خدا است، یکی و دو تا نیست، متعدد است.

چون قول داده بودم و وعده کرده بودم خواستم بگویم، [۱۷۱]؛ حیا من الله تعالی؛ نیز داریم. یعنی در باب اقسام حیا، در این تقسیم‌بندی که در دیدگاه باشد، قسم پنجم حیا از خدا است. روایات متعدده داریم. من چند تا روایت می‌خوانم که مطلبی در آن هست که ان شاء الله جلسه بعد اگر خدا توفیق داد و عمری داد می‌گوییم. روایتی از پیغمبر اکرم است که فرمودند: [۱۷۱]؛ قال رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم): اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ [۹]؛ از خدا حیا کنید آن‌طور که حق حیا است. روایت دیگری از پیغمبر اکرم است که فرمودند: [۱۷۱]؛ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَحْيَا مِنْ رَبِّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ [۱۰]؛ خدا رحمت کند بنده‌ای را که از پروردگار حیا می‌کند آن‌طور که حق حیا است.

حیا از خدا و ورود بهشت

در روایتی هست که حضرت به ابی‌ذر فرمودند: [۱۷۱]؛ أُتِيَ جِبُّ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟ قُلْتُ نَعَمْ فِدَاكَ أَبِي [۱۱]؛ به ابی‌ذر گفتند: دلت می‌خواهد به بهشت بروی؟ گفت: بله. چه کسی دلش نمی‌خواهد؟ [۱۷۱]؛ قَالَ فَاقْصِرْ مِنَ الْأَمَلِ [۱۲]؛ آرزوهایت را کوتاه کن. [۱۷۱]؛ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نُصَبًا عَيْتِيكَ [۱۳]؛ مرگ را همیشه در نظر داشته باش، یادت نرود که می‌میری. [۱۷۱]؛ وَ اسْتَحْ مِنَ اللَّهِ

حَقَّ الْحَيَاءِ[۱۱];[raquo] از خدا حق حياء را داشته باش، اینجا فقط برای ابی‌ذر است.

در یک روایت دیگر هست که فرمودند: «قال: أكلکم يحب أن يدخل الجنة» آیا همه شماها دوست دارید که وارد بهشت شوید؟ «قالوا نعم يا رسول الله» خطابی که فرمودند عمومی بود، چون کلکم دارد. «قال قصرُوا من الأمل» آرزوهایتان را کوتاه کنید «و ثبتوا آجالکم بین أبصارکم» مرگ را همیشه پیش چشم‌هایتان ثبت و ضبط نگه دارید. یادتان نرود که می‌میرید. «و استحيوا من الله حق الحياء» از خدا شرم کنید آن‌طور که از خدا شرم کردن سزاوار است. حالا إن شاء الله جلسه آینده روی این تکیه می‌کنم که حق حياء از خدا یعنی چه؟ آن‌طور که سزاوار است، انسان از خدا شرم کند، یعنی چه؟ این خودش بحثی است، چون در تمام این روایات داشت که از خدا شرم کن آن‌جوری که سزاوار است از خدا شرم کنی، این خودش بحثی است.

. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶ [۱]

. سوره التَّوْبَةِ، آیه ۱۰۵ [۲]

. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹ [۳]

. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۰۹ [۴]

. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹ [۵]

. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹ [۶]

. بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۱۴۹ [۷]

[۸]. گاهی حق با آن آقایانی است که به من می‌گویند: حق این بحث‌هایی که می‌کنید، این است که آنها را تفصیل دهید، لذا من این کار را کردم. من جلسه گذشته اشاره کردم و رد شدم، اول آیه را خواندم و بعد هم یک روایت که می‌گوید حياء کنید، شرم کنید که این اعمال زشت شما به پیغمبر شما عرضه می‌شود

. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۳۱ [۹]

. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۳۶ [۱۰]

. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۴ [۱۱]

. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۷۲ [۱۲]